

فریضه دانی «طلب العلم» در بوته نقد و بازآفرینی فهم

سید نقی موسوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

چکیده

نوشتار حاضر در صدد است تا مستند دیدگاه «فریضه دانی طلب العلم برهمگان»، یعنی حدیث مشهور «طلب العلم فریضه» را بر اساس معیارهای سندی و دلالی بررسی نماید. روش تحقیق، روش توصیفی استنباطی است. در ابتدا به گزارش نقل‌های متعدد این حدیث پرداخته شده و سپس بر اساس موازین فهم متن، معنای حدیث و حکم مستنبط از آن استنباط شده است. طبق بررسی‌ها این نتیجه حاصل شده که هر چند اطمینان به صدور این حدیث - که در هیچ نقلی، سند معتبری به همراه ندارد - قابل تحصیل است، اما این حدیث، بر «وجوب عینی طلب علم برهمگان» دلالت ندارد و دیدگاه «فریضه دانی علم جویی» به استناد این حدیث، قابل قبول نیست، بلکه منتهای دلالت این حدیث عبارت است از «وجوب تعلم آگاهی‌ها/ علوم دینی مبتلابه واجب». در پایان برخی دلالت‌ها و استلزامات این نتایج در احکام مربیان و متریان تبیین شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست علم، سیاست آموزش، حدیث تربیتی، فقه تربیتی.

۱. بیان مسأله

نهاد علم، پژوهش و فناوری از دیرباز، به ویژه در عصر حاضر، نقش مهمی در پیشرفت جوامع ایفا کرده است. علم‌آموزی مورد تأکید دین مبین اسلام بوده و حدیث مشهور نبوی «طلب العلم فریضه» از گذشته جایگاه والای علم و علم‌جویی را نشان داده و محل بحث و اختلاف نظر بوده است، به گونه‌ای که غزالی اظهار می‌دارد این حدیث نزد شارحان دارای بیست تفسیر است.^۲

۱. استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان (snmosavi57@cfu.ac.ir).

۲. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۴.

«فریضه دانی طلب العلم» و «طلب علم چنین می نگارد:

به عقیده ما، درست نبوده که از اول دایره علوم دینی را محدود کنند به علم به فرائض دینی. این ارزش یک اصطلاح را بیشتر ندارد، بلکه هر علمی که مقدمه عمل به فرائض عینی یا کفایی دینی است، باید جزء علوم دینیه شمرده شود.^۱

ایشان در جایی دیگر پذیرش انواع علوم و کتاب های نجوم، طب، منطق و حیوان شناسی و... و عدم انتقاد به آن ها را در سیره اهل بیت علیهم السلام شاهدهی برمدعای خود می داند و با توجه به آیات قرآنی چنین می نگارد:

گذشته از همه این ها، منطق خود قرآن درباره علم به شکلی است که قابل تخصیص نیست. قرآن، علم را نور می داند و مطلقاً نور را بر ظلمت ترجیح می دهد. قرآن، صریحاً مسائلی را به عنوان موضوع مطالعه و تفکر پیشنهاد می کند. این موضوعات، همان هاست که نتیجه مطالعه آن ها همین علوم طبیعی و ریاضی و زیستی و تاریخی و غیره است که امروز در دنیا می بینیم.^۲

این دیدگاه شهید در اسناد بالادستی مورد استناد قرار گرفته مبنی بر این که «طلب علم، فریضه ای واجب بر همگان [است]».^۳

برداشت مشهور از حدیث «طلب العلم فریضه»، قابل نقد و بررسی است و این حدیث، نیازمند به بازآفرینی فهم است؛ چرا که در بادی نظر سندی این روایت ضعیف است و در برداشت دلالتی ابهاماتی چون تعارض وجوب و اطلاق وجود دارد. از سوی دیگر رشد مطالعات «فقه تربیتی» و تعیین موضع نسبت به «تعلّم و یادگیری» (علم آموزی و طلب العلم) ضرورت بررسی مستقل این حدیث را دوچندان می کند. بنابراین، مسأله نوشتار حاضر عبارت است از نقد «فریضه دانی طلب العلم و نقد و بازآفرینی فهم آن». برای این اساس سؤالات این پژوهش به قرار زیر است:

۱. این حدیث با چه نقل هایی در مجامع روایی گزارش شده است؟
۲. براساس موازین رجالی، وضعیت حدیث مشهور «طلب العلم فریضه» چگونه است؟
۳. براساس موازین فهم متن، دلالت این حدیث درباره حکم طلب علم چیست و آیا «فریضه دانی طلب العلم» قابل دفاع است؟

۱. همان، ص ۳۳۷.

۲. بیست گفتار، ص ۲۶۰ - ۲۶۱؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۰ - ۳۵؛ اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، ص ۷۸ - ۸۱.

۳. مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۱۰۳.

هرچند آزمون «فریضه دانی علم جویی» با یک دسته از احادیث، به لحاظ روش شناسی اجتهادی، ناقص است و برای این که نظر شریعت اسلامی کاوش شود، لازم است «استفراغ وُسع» صورت گیرد، اما به دلیل محدودیت حجم مقاله و مطلوبیت فی حد ذاته مطالعات حدیثی و به عنوان گامی از گام های فرآیند «اجتهاد در تربیت» و «تفقه تربیتی» این پژوهش در تلاش است یک بار برای همیشه تکلیف حدیث مشهور «طلب العلم فریضه» را کاوش نماید. روش شناسی نوشتار حاضر، روش توصیفی استنباطی است که با روش اجتهادی به اعتبارسنجی سند این حدیث و سپس کشف معنای آن براساس روش «فقه تربیتی» می پردازد. این پژوهش از یک منظر، پژوهشی فقط حدیثی است و در زمره مطالعات «حدیث تربیتی» قرار می گیرد و از منظری دیگر به بسط ادبیات «فقه تربیتی» کمک خواهد کرد؛ چرا که تعیین حکم تعلّم و یادگیری یکی از مسائل بنیادین در آموزش و پرورش است.

در باب پیشینه پژوهش، باید خاطر نشان کرد که حسب بررسی تحقیقات مستقل چندانی در این موضوع یافت نشد، مگر یک مورد^۱ که در مقاله خود به این حدیث پرداخته است و در مقاله حاضر در صدد است تا بررسی جدیدتری نسبت به کاوش سندی و دلالتی و نقد و بازفهم «فریضه دانی طلب علم» ارائه نماید.

برای بررسی دقیق تر دیدگاه «فریضه دانی طلب علم» در ابتدا روایات مربوطه نقل و سپس مورد بررسی سندی و دلالتی قرار می گیرد.

۲. نقل روایات و بررسی سندی

این حدیث مشهور در مجامع حدیثی شیعه نقل های متعددی دارد. در این مجال تلاش می شود به ترتیب تاریخی از کتاب های قدیمی تر آغاز شود. شاید اولین کتاب در دسترس ما که این حدیث را نقل کرده، المحاسن برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) است؛ اما اگر مصباح الشریعه را منسوب به امام صادق (علیه السلام) (شهادت ۱۴۸ ق) بدانیم، دو نقل در این کتاب وجود دارد. انتساب این کتاب، مخالفین جدی دارد. البته نزاع در مورد مؤلف این کتاب و جعلی بودن مباحث عرفانی در آن، تأثیری در بحث حاضر ندارد؛ زیرا این حدیث در اصول و مجامع دیگر نیز نقل شده است.^۲

۱. «پژوهشی در حدیث طلب العلم».

۲. قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): أَلْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ خَالٍ سَنِيٍّ وَ مُنْتَهَى كُلِّ مَنَزِلَةٍ رَفِيعَةٍ، وَلِذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ، أَيْ عِلْمُ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ. وَ قَالَ عَلَيْهِ (علیه السلام): أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ، وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ (مصباح الشریعه، ج ۱، ص ۱۳)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ، وَ هُوَ عِلْمُ الْأَنْفُسِ، فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ عَلَى كُلِّ خَالٍ فِي شُكْرٍ أَوْ عُذْرٍ، عَلَى مَعْنَى إِنْ قُبِلَ فَفَضْلٌ، وَإِنْ رُدَّ فَعَذْلٌ (همان، ص ۲۲).

قدیمی ترین نقل این حدیث را احمد بن محمد خالد برقی (قرن ۲) در کتاب المحاسن انجام داده که به قرار زیر است:

حدیث شماره ۱

عَنْهُ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ، قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ.

ملاحظه می شود که این نقل، مرفوع است. مرحوم کلینی نیز به نقل از المحاسن، همین روایت را نقل کرده است.^۱

بُغَاة^۲ جمع باغی به معنای طالب است^۳ و «بغاه العلم» به معنای دانش جویان است. در ادامه سیرتاریخی، این حدیث را محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ق) در بصائر الدرجات نقل کرده است:

حدیث شماره ۲

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ الْمَعْرُوفُ بِمَمُولَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ.^۴

سند این روایت، حداقل به خاطر عدم توثیق حسن بن زید، معتبر نیست.

حدیث شماره ۳

يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.^۵

حرعاملی همین حدیث را از بصائر الدرجات نقل کرده است.^۶ این سند مرسل است؛ زیرا ابن ابی عمیر نام مروی عنه خود را ذکر نکرده و بنا بر دیدگاه مقبول، مرسلات ابن ابی عمیر

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۰.

۳. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۷۶.

۴. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲.

۵. همان، ج ۱، ص ۳.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۷.

نیز مورد پذیرش نیست؛ برخلاف تعبیر «عدة من اصحابنا» مرحوم کلینی که مضبوط و معتبر است.

حدیث شماره ۴

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْغُمَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ.^۱

در این سلسله سند، محمد بن علی ابوسمینه به غلومتهم است^۲ و محمود بن حسان رازی، تضعیف دارد^۳ و عیسی هم توثیق ندارند.^۴

حدیث شماره ۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْغُمَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ حَالٍ.^۵

این سند همان سند ضعیف حدیث قبل است.

در ادامه سیر تاریخی به کتاب الکافی مرحوم کلینی (م ۳۲۹ق) برمی‌خوریم. ایشان در جلد یک الکافی، در کتاب فضل العلم، بابی بنام «بَابُ فَرَضِ الْعِلْمِ وَوُجُوبِ طَلْبِهِ وَالْحَثِّ عَلَيْهِ» ترتیب داده و سه روایت ظاهراً جدید را نقل کرده است که در ادامه خواهد آمد. البته یک حدیث مرفوع را از برقی نقل نموده است (حدیث شماره ۱ صفحات پیشین).

حدیث شماره ۶

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) «طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، إِلَّا إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ».^۶

سند این حدیث هم معتبر نیست؛ زیرا حسن بن ابی حسین توثیق ندارد؛^۷ همچنان که

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲.

۲. رجال النجاشی، ص ۵۴۶.

۳. همان، ص ۳۳۸.

۴. معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۰۰.

۵. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۳۰.

۷. معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۷۶ - ۲۷۷.

حسن بن زید بن علی^۱ و پدرش^۲ توثیق ندارند.

حدیث شماره ۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.^۳

گفتیم که عیسی بن عبدالله توثیق ندارد.

کتاب بعدی که این حدیث را نقل کرده، کتاب الامالی شیخ مفید (م ۴۱۳ق) است.

حدیث شماره ۸

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ، أَدَامَ اللَّهُ
تَأْيِيدَهُ وَتَوْفِيقَهُ، قِرَاءَةً عَلَيْهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ،
قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى
هَارُونُ بْنُ عَمْرِو الْمُجَاشِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام، عَنْ
آبَائِهِ عليهم السلام، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ
الْمَوْتِ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، حَتَّى حَيْتَانِ الْبَحْرِ وَهَوَامُ الْأَرْضِ وَسَبَاحُ
الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ
عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».^۴

این سند، دست کم به خاطر عدم توثیق هارون، معتبر نیست.

در ادامه سیر تاریخی، کتاب کنز الفوائد کراچکی (م ۴۴۹ق) قرار دارد که بدون سند، این
گونه نقل کرده است:

حدیث شماره ۹

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.^۵

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۰.

۴. الامالی، ج ۱، ص ۲۹.

۵. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۰۷.

حدیث شماره ۱۰

عن علی (علیه السلام) عَلَیْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ، فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ، وَهُوَ صِلَةٌ بَيْنَ الْإِخْوَانِ، وَدَالٌّ عَلَى الْمُرُوءَةِ، وَتُخَفَّةٌ فِي الْمَجَالِسِ، وَصَاحِبٌ فِي السَّفَرِ، وَأُنْسٌ فِي الْغُرْبَةِ، وَمَنْ عَرَفَ الْحِكْمَ لَمْ يَضُرَّ عَلَى الْإِزْدِيَادِ مِنْهَا.^۱

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز در الامالی خود این گونه نقل کرده است:

حدیث شماره ۱۱

وَعَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَسَنِيُّ فِي رَجَبِ سَنَةِ سَبْعٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ [بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ] بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)، قَالَ: حَدَّثَنِي الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَظَاهِيهِ، وَافْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنَّ تَعْلِيمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ، وَطَلَبُهُ عِبَادَةٌ، وَالْمَذَاكِرَةُ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَالْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَغْلُمُهُ صَدَقَةٌ، وَبَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى)، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمَنَازِلُ سَبِيلِ الْجَنَّةِ، وَالْمُؤْنِسُ فِي الْوَحْشَةِ، وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْوَحْدَةِ، وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالِدَلِيلُ عَلَى السَّرَاءِ وَالصَّرَاءِ، وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ، يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا وَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ [قَادَةً].^۲

این نقل را حرعاملی نیز از الامالی طوسی نقل کرده است.^۳ این زنجیره سندی ضعیف است؛ زیرا محمد بن عبدالله شیبانی تضعیف دارد^۴ و هارون مجاشعی نیز توثیق ندارد و محمد بن علی بن حسین (از نوادگان زید) نیز توثیق ندارد.^۵ در نتیجه، سند ضعیف است؛ هرچند شهید ثانی در منیة المرید با تعبیر «باسنادنا الصحيح»^۶

۱. همان، ص ۳۱۹.

۲. الامالی، ج ۱، ص ۵۹۶ و ۴۸۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۸.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۹۶.

۵. همان، ص ۳۶۸.

۶. منیة المرید، ص ۱۰۸.

و فیض کاشانی^۱ این سند را ظاهراً بنا بر اصاله العداله، معتبر می دانند. در قرون بعدی نیز این روایت در کتاب هایی مانند روضه الواعظین فتال نیشابوری و مجموعه ورام و کشف الغمه اربلی (قرن ۶ق) و نیز کتاب ارشاد القلوب دیلمی (قرن ۸ق) به صورت بی سند، نقل شده است که ظاهراً دارای تعابیری جدید نیست و در واقع منقول از منابع و اصول پیشین با حذف اسناد است که در ادامه گزارش می شود:

حدیث شماره ۱۲

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ مَنَازِلِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُورًا.^۲

حدیث شماره ۱۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.^۳

حدیث شماره ۱۴

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَعَمَلٌ قَلِيلٌ فِي عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ فِي جَهْلٍ.^۴

حدیث شماره ۱۵

عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ فَاطْلُبُوهُ فِي مَطَائِهِ وَاقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ تَعْلِيمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ وَ طَلَبُهُ عِبَادَةٌ وَ الْمَذَاكِرَةُ بِهِ تَسْبِيحٌ وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ وَ تَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.^۵

حدیث شماره ۱۶

قَالَ [عَلِيٌّ عليه السلام]: عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ وَ الْبَحْثُ عَنْهُ نَافِلَةٌ وَ هُوَ صَلَّةٌ

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۶.

۲. روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۶.

بَيْنَ الْإِخْوَانِ وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَرْوَةِ وَتُخَفَّةٌ فِي الْمَجَالِسِ وَصَاحِبٌ فِي السَّفَرِ وَأُنْسٌ فِي الْغُرَبَةِ.^۱

حدیث شماره ۱۷

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.^۲

این سیرتاریخی، تا قرن هشتم کافی است و به دلیل جامعیت کتاب و سائل الشیعة، گزارشی از آن ارائه می شود. مرحوم حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) در وسائل الشیعة، ج ۲۷، در باب ۴ (باب عدم جواز القضاء و الافتاء بغير علم) سیزده نقل در این باره آورده است که از حدیث شماره ۱۵ این باب آغاز می شود^۳ که چهار حدیث از الکافی کلینی و چهار حدیث از بصائر الدرجات و دو حدیث از روضه الواعظین، دو حدیث از الامالی طوسی نقل می کند و همگی در صفحات پیشین از منابع اصلی خود، در این جا گزارش شد. یک حدیث جدید است که به قرار زیر نقل می کند:

حدیث شماره ۱۸

وَقَالَ الشَّهِيدُ الثَّانِي فِي كِتَابِ الْأَدَابِ وَالطَّبْرِسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا الصَّحِيحِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، عَنْ آبَائِهِ (عليه السلام)، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ - فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَطَانِنِهِ وَاقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ الْحَدِيثِ.^۴

ملاحظه می شود که این حدیث نیز محتوای جدیدی ندارد و مبنای معتبر خواندن شهید نیز در صفحات پیشین را متذکر شدیم.

این مضمون در منابع حدیثی اهل سنت نیز از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که از کنز العمال گزارش می شود:

۱. كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۴۷.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۵ - ۳۰.

۴. همان، ج ۲۷، ص ۳۰.

۱۹. «طلب العلم فريضة على كل مسلم».^۱
۲۰. «طلب العلم فريضة على كل مسلم فاغد ايها العبد عالماً او متعلماً ولا خير فيما بين ذلك».^۲
۲۱. «اطلبوا العلم ولو بالصين؛ فان طلب العلم فريضة على كل مسلم ان الملائكة تضع اجنحتها لطالب العلم رضى بما يطلب».^۳
۲۲. «طلب العلم فريضة على كل مسلم وواضع العلم عند غير اهله كمقلد الخنازير الجواهر واللوء لوء والذهب».^۴
۲۳. «طلب العلم فريضة على كل مسلم والله يحب اغائة اللّهفان».^۵
۲۴. «طلب العلم فريضة على كل مسلم وان طالب العلم يستغفر له كل شيء حتى الحيتان في البحر».^۶
۲۴. «اطلبوا العلم ولو بالصين؛ فان طلب العلم فريضة على كل مسلم».^۷
۲۵. «طلب العلم واجب على كل مسلم».^۸
- اين حديث در اهل سنت مشهور است. ابی بکر محمد بن حسين آجری (م ۳۶۰ق) در کتاب «فرض طلب العلم» حدود ۱۵ نقل از حديث «طلب العلم فريضة على كل مسلم» گزارش می نماید و برخی را بلحاظ سندى معتبر می داند.^۹ همچنين جلال الدين سيوطى (م ۹۱۱ق) در رساله اى درباره همين حديث، می گوید طبق تتبع من ۵۰ طريق و نقل برای اين حديث وجود دارد.^{۱۰}

۱. كنز العمال، ج ۱۰، ح ۲۸۶۵۱.

۲. همان، ح ۲۸۸۲۴.

۳. همان، ح ۲۸۶۹۸.

۴. همان، ح ۲۸۶۵۲.

۵. همان، ح ۲۸۶۵۴.

۶. همان، ح ۲۸۶۵۳.

۷. همان، ح ۲۸۶۹۷.

۸. همان، ح ۲۸۸۲۲.

۹. فرض طلب العلم.

۱۰. «طلب العلم فريضة على كل مسلم»، ص ۱۴.

وضعیت سند و متن روایات فوق در جدول زیر خلاصه شده است:

حدیث	وضعیت سند	منبع	مضمون	متن حدیث
۱	مرفوعه	بصائر الدرجات	امام صادق علیه السلام	طلب العلم فریضة على كل مسلم الا ان الله يحب عبادة العلم
۲	مسند- ضعیف	بصائر الدرجات	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم الا ان الله يحب عبادة العلم
۳	مرسل	بصائر الدرجات	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم
۴	مسند- ضعیف	بصائر الدرجات	امام صادق علیه السلام	طلب العلم فریضة على كل مسلم
۵	مسند- ضعیف	بصائر الدرجات	امام صادق علیه السلام	طلب العلم فریضة على كل حال
۶	مسند- ضعیف	الکافی	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم الا ان الله يحب عبادة العلم
۷	مسند- ضعیف	الکافی	امام صادق علیه السلام	طلب العلم فریضة
۸	مسند- ضعیف	الامالی مفید	رسول الله صلی الله علیه و آله	فاطلبوا العلم فانه السبب ببتکم و بین الله عز و جل و ان طلب العلم فریضة على كل مسلم
۹	بحی سند	کثر القوائد	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم و منیمة
۱۰	بحی سند	کثر القوائد	امام علی علیه السلام	علیکم یطلب العلم و ان طلبه فریضة
۱۱	مسند- ضعیف	الادعی طوسی	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم، فاطلبوا العلم من مقامه و اقبسوه من أهله و ان تعلیمه لله حنیفة و طایفه عبادة و التذاکرة به تسبیح...
۱۲	بحی سند	روضة الواعظین	امام علی علیه السلام	الساجد فی طلب العلم کالجاهد فی سبیل الله ان طلب العلم فریضة على كل مسلم
۱۳	بحی سند	روضة الواعظین	رسول الله صلی الله علیه و آله	اطلبوا العلم و لو بالصدن فان طلب العلم فریضة على كل مسلم
۱۴	بحی سند	تبیة الخواطر	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم و عمل قلیل فی علم خیر من کثیر فی جهل.
۱۵	بحی سند	تبیة الخواطر	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم و منیمة فاطلبوه فی مقامه و اقبسوه من أهله و ان تعلیمه لله حنیفة و طایفه عبادة و التذاکرة به تسبیح
۱۶	بحی سند	کشف الغممة	امام علی علیه السلام	علیکم یطلب العلم فان طلبه فریضة و البحت عنه ذیابة و هو صلیة بین الاخوان و ذلیل علی المروعة و فحشة فی المجالس و صاحب فی السفر و ائس فی المروزة
۱۷	بحی سند	ارشاد القلوب	امام علی علیه السلام	العلم بین الجهال کالحی بین الثوب و ان طالب العلم یتتبعه لئلا یل شیه و فاطلوا العلم فانه السبب ببتکم و بین الله عز و جل و ان طلب العلم فریضة على كل مسلم
۱۸	بحی سند	الآداب	رسول الله صلی الله علیه و آله	طلب العلم فریضة على كل مسلم- فاطلبوا العلم فی مقامه و اقبسوه من أهله الحدیث

ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از احادیث، سند معتبری به همراه ندارند؛ اما یک مضمون مشترک (طلب العلم فریضه علی کل مسلم) در طرق و اسناد مختلف تکرار شده است و این تعدد با توضیحاتی ضعف اسناد را جبران می‌نماید. توضیح آن‌که هرچند احادیث مورد بحث به حد تواتر لفظی نمی‌رسد، اما شاید در حد «شبه استفاضه» باشد و بتوان با چند قرینه به صدور، اطمینان پیدا کرد.

تکثر نقل این مضمون با سندهای مختلف از چند معصوم، هم از طریق شیعه و هم سنی و آن هم در محتوایی که در شمار موارد اختلافی فریقین نیست، عدم ناسازگاری با درک عقل و قواعد کلی کتاب و سنت، همه این قرائن نوعی اطمینان به صدور برای این روایت را تقویت می‌کند. از باب تنظیر، می‌توان گفت اگر شهرت روایی جابر ضعف سند است، با نگاهی فوقانی به این مجموعه روایات مشهور، اطمینان به صدور این روایات با اعتبار مساعد است.

از باب نفی استبعاد باید اضافه کرد که توجه به مضمون مشترک با شرایط فوق‌الذکر، کمتر از حجیت خبر واحد در سیره عقلا نیست. البته نکته دقیق در اطمینان به صدور مضمون مشترک (طلب العلم فریضه علی کل مسلم) این است که این گزاره دارای اطلاق نیست. توضیح، آن‌که در تواتر اجمالی تلاش می‌شود یک گزاره مشترک که در اکثر نقل‌های صحیح‌السند تکرار شده است، اخذ شود و در واقع، یک مدلول و معنا به صورت قدرمتیقن آن هم به صورت مهمل، معتبر دانسته می‌شود و البته اطلاق وجود ندارد که بدان تمسک شود. این سخن در بحث حاضر نیز جاری است و باید متذکر شد که عبارت «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» که قدرمتیقن احادیث مذکور است، دارای اطلاق نیست و به صورت مهمل، معتبر می‌شود.

۳. بررسی دلالتی

برای کشف مدلول مضمون مشترک باید معنای سه واژه طلب، علم و فریضه بررسی شود. معنای علم و فریضه به همدیگر وابسته است و در تعیین دایره «علم مفروض» اختلاف وجود دارد، اما معنای طلب تنها به معنای اراده و فرآیندهای روان‌شناختی و فعل جوانحی مدنظر است و در نتیجه طلب علم به معنای تعلّم به مثابه فعلی جوارحی (مستبطن و مستظهر به افعال جوانحی) است.

در مورد معنای «علم مفروض» ابو حامد غزالی می‌گوید بیست تفسیر در این زمینه وجود

دارد و هرکسی آن را علمی می‌داند که متخصص آن است. برای مثال، متکلمان، علم مفروض در این حدیث را علم کلام و فقیهان، علم فقه و اهل حدیث و تفسیر آن را علم کتاب و سنت و عرفا و صوفیان آن را عرفان و تصوف می‌دانند.^۱

در مورد واژه العلم چند نکته حائز اهمیت است:

اول، آن‌که منظور از علم، معرفت و اصطلاحاً تک‌گزاره‌ها مدنظر است، نه علم به معنای دیسیپلین و رشته و مجموعه گزاره‌های متلائم حول یک موضوع یا روش. پس الزاماً علم در این حدیث به معنای علوم رایج در اعصار پس از معصومان (علیهم السلام) نیست و آنچه غزالی نقل کرده، قابل قبول نیست.

نکته دیگر در مورد ال در واژه العلم است که ال جنس است و بر شمول دلالت دارد و احتمال عهد ذهنی بودن ضعیف است. همین شمول و جنسیت واژه علم با دلالت واژه فریضه بر وجوب تعارضی بدوی خواهد داشت.

علم در کاربردهای قرآنی و حدیثی چند معنا دارد:

۱. در برخی استعمالات به معنای «مطلق العلم» بکار رفته است؛ مانند «الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَذْيَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ»؛^۲ «الْعُلُومُ أَزْبَعَةُ الْفَقْهِ لِلْأَذْيَانِ وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ وَالتَّحْوِيلُ لِلْسَّانِ وَالتَّجْوُمُ لِمَعْرِفَةِ الْأَزْمَانِ»؛^۳

۲. در برخی کاربردها، «علم هدایت و مسائل دینی» مدنظر است؛ مانند «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۴ و علامه نیز در تفسیر بر چنین باوری است.^۵ در مباحث آتی خواهیم گفت که در اکثر استعمالات علم به معنای علم الهی و مربوط به هدایت است؛

۳. در شماری از استعمالات، واژه علم به معنای علم خاص تری بکار رفته؛ مانند علم همراه با عمل، علم همراه با ایمان، علم همراه با تواضع و خشیت و غیره «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۶.

با توجه به کاربردهای فوق‌الذکر، سه احتمال در معنای «علم مفروض» در این حدیث

۱. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳. همان، ص ۲۱۸.

۴. طه، ۱۱۴.

۵. المیزان، ج ۱۴، ص ۲۱۵.

۶. سوره فاطر، آیه ۲۸.

وجود دارد.

بنا بر احتمال اول، تعلم مطلق علم بر همگان واجب است. این احتمال مردود است؛ زیرا گفتیم که بنا بر استفاضه، عبارت قدر متیقن، اطلاق ندارد. اشکال دیگر آن که با وفاداری به شمول واژه علم، تعارضی میان آن و ظهور واژه فریضه در وجوب رخ می نمایاند؛ چرا که به قرائن ثبوتی وجوب تعلم همه علوم و دانش ها تکلیف بمالایطاق است. تعبیر «طلب العلم فریضه علی کل حال» در حدیث شماره ۵ فوق طاقت بودن را بیشتر آشکار می کند. چند راه حل برای برون رفت از این تعارض وجود دارد:

الف) از شمول علم دست بکشیم و علم را به علم مربوط به هدایت و سعادت و امور دینی و الهی مضیق کنیم و ظهور فریضه را بر وجوب نگهداریم. در این صورت، معنا چنین خواهد بود: طلب علم دینی و هدایتی بر هر مسلمانی واجب عینی است.

ب) راه حل دیگر دست شستن از ظهور فریضه در وجوب است. در این صورت، علم آموزی در همه علوم و رشته ها بر هر مسلمانی مستحب است.

در قضاوت میان این دو راه حل به نظر می رسد ظهور فریضه اقوی است؛ چرا که هم لغت^۱ و هم کاربردهای قرآنی و روایی (مانند ﴿فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ﴾^۲، ﴿فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ﴾^۳ و ﴿فِيْمَا فَرَضَ اللَّهُ﴾^۴ این ظهور، تأیید می کند.

احتمال دوم (مبنی بر کاربردهای علم) این است که علم را به معنای علم الهی و مرتبط با هدایت بدانیم و احتمال سوم هم این است که علم را به معنای علم خاص (که به درجات و مراتب عمیق دین داری و ایمان اشاره دارد) بدانیم. با مردود دانستن احتمال اول (مطلق علم) این دو احتمال - که رابطه اقل و اکثر ارتباطی دارند - متعین می شود.

در برخی از احادیث شواهد درونی وجود دارد که به مثابه قرینه لفظی متصل، علم را علم دینی و الهی می داند؛ مانند حدیث ۸ که از استغفار همه چیز برای طالب علم سخن می گوید و یا حدیث ۱۱ که تعلیم و تعلم را عبادت می داند و آن را تسبیح و صدقه و مایه نزدیکی به خدا می خواند و با صراحت آن را معالِم حلال و حرام و راه بهشت می داند و یا حدیث ۱۲ که طالب علم را مجاهد فی سبیل الله می خواند و روشن است که چنین اوصافی با مطلق علم

۱. لسان العرب، ج ۷، ص ۲۰۲.

۲. سوره توبه، آیه ۶۰؛ سوره نساء، آیه ۱۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۴. سوره احزاب، آیه ۳۸.

سازگار نیست و به تناسب حکم و موضوع، علم الهی و دینی مدنظر است.

در داوری میان احتمال دوم (علم دین و هدایت) و احتمال سوم (علم خاص ترناظر به مراتب اعلی دین داری) از باب اخذ به قدر متیقن و اخذ به معنای اقل (در شک میان دوم معنای اقل و اکثر ارتباطی) احتمال دوم را مقدم می‌کنیم.

تقریر دیگر در ترجیح احتمال دوم (علم دین) نسبت به احتمال اول (مطلق علم) این است که به نظر می‌رسد با مرور مجموعه روایات باب علم^۱ می‌توان گفت که واژه علم در معنای علم دین و هدایت، به «حقیقت شرعی» بدل شده و در این حدیث، علم به علم دین منصرف است.

نکته دیگر، این که آیا مطلق علم دین، و همه علوم و معارف دینی مدنظر است؟ با توجه به مباحث پیشین، پاسخ منفی است و باید گفت آن میزان از علوم و معارف اعتقادی، عبادی و اخلاقی که الزامی است، مشمول این معناست. به عبارت دیگر، بنا بر این حدیث «تعلم عقاید، احکام و اخلاقیات الزامی بر هر مسلمانی واجب است» و معیار الزامی بودن، اهمیت و ابتلا است؛ یعنی در اعتقادات، اصول عقاید و در عبادات و اخلاق، پایه‌های اصلی که مبتلا به مکلف هستند، دارای وجوب‌اند.

شارحان حدیث نیز این دیدگاه (تقیید علم در این حدیث به آگاهی‌های دینی لازم) را تأیید کرده‌اند. علامه مجلسی «علم مفروض» در این حدیث را علم خداشناسی و شناخت شریعت و مقدمات آن می‌داند.^۲ غزالی نیز آن را علمی می‌داند که مقدمه افعال واجب یا مقدمه خداشناسی است.^۳ فیض کاشانی نیز این دیدگاه را برمی‌گزیند.^۴ شارحان و فقیهان دیگری چون ملاصدرا،^۵ ملا صالح مازندرانی،^۶ آیه الله خویی^۷ نیز این دیدگاه را برگزیدند. این دیدگاه را امام خمینی ره نیز اختیار کرده و چنین نگاشته است:

لا شبهة فی عدم کون المراد منه، أن جميع العلوم واجبة علی جميع الناس، فلا بد من

۱. رک: العلم والحکمه فی الکتاب والسنه.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۳؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۹۸.

۳. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۴.

۴. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۴۴؛ الوافی، ج ۱، ص ۱۲۶.

۵. الاسفار الاربعه، ج ۲، ص ۴.

۶. شرح الکافی، ج ۲، ص ۳ - ۵.

۷. صراط النجاه، ج ۲، ص ۴۵۲.

إرادة كونه في الجملة من الفرائض، ولعل المراد به هو العلم بأصول الدين.^۱

علامه طباطبایی نیز در این باره چنین می‌نویسد:

طبق اخباری که با شواهد قطعی تأیید شده است، مراد از علم، دانستن اصول سه‌گانه اسلامی «توحید»، «نبوت» و «معاد» با لوازم قریب آن است و دانستن تفصیل احکام و قوانین اسلامی است برای هر فرد به اندازه ابتلا و احتیاج وی.^۲

الآجری فقیه و محدث اهل سنت (قرن ۴ق) در جمع‌بندی گزارش خود از نقل‌های حدیث «طلب العلم فریضة»، علم را علم به واجبات الهی معنا می‌نماید.^۳ نتیجه‌گیری از این احادیث این است که «فریضة بودن مطلق علم‌آموزی و وجوب طلب همه علوم» صحیح نیست، بلکه «یادگیری آگاهی‌های دینی واجب و مبتلا به، واجب عینی است». باید تأکید کرد که این حکم صرفاً در دایره دلالت حدیث مشهور «طلب العلم فریضة» است و نه بررسی جامع موضوع در شریعت و فقه تربیتی. با این حال، به عنوان یک فرض پژوهشی، به نظر می‌رسد پس از بررسی جامع، علاوه بر «عدم وجوب مطلق علم‌آموزی»، «استحباب مطلق علم‌آموزی» قابل استنباط باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسأله نوشتار حاضر بررسی حدیث مشهور «طلب العلم فریضة» به مثابه منبع اسناد سیاستی تربیتی کشور از منظر فقه و سیاست تربیتی بود. در پاسخ به پرسش اول، این نتیجه حاصل شد که دیدگاه «فریضة دانی طلب علم» مستند به حدیث مشهور نبوی است؛ با این استدلال که منظور از علم در این حدیث، «مطلق علوم و آگاهی‌ها» است.

در پاسخ به سؤال دوم دانستیم که هرچند هیچ‌یک از نقل‌های این حدیث سند معتبری به همراه ندارند، اما تکرار نقل‌ها کمتر از حد استفاضه است و با توجه به تکرار مضامین، تعدد نقل از معصومین و فریقین، در مضمونی که مخالف عقل و قواعد کتاب و سنت نیست، موجب نوعی اطمینان به صدور به مضمون قدرمتیقن حدیث ایجاد می‌کند؛ مانند جابریّت شهرت روایی برای ضعف سند.

در پاسخ به سؤال سوم، بیان شد که مدلول حدیث «طلب العلم فریضة» نمی‌تواند

۱. کتاب البیع، ج ۳، ص ۵۹۰.

۲. شیعہ در اسلام، ص ۹۶.

۳. فرض طلب العلم، ص ۸۴.

«وجوب مطلق علم آموزی» باشد و تفسیر «فریضه بودن طلب علم» با ضوابط فهم متن سازگار نیست. معنای حدیث، «وجوب یادگیری آگاهی‌ها یا علوم دینی ضروری و مبتلابه» است. در پایان، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. عدم دلالت بر نفی استحباب علم آموزی: نتیجه پژوهش حدیثی مبنی بر عدم اثبات «وجوب مطلق علم آموزی» به معنای نفی استحباب علم آموزی، عدم وظیفه‌مندی مرییان، حاکمیت یا دیگران نیست. ممکن است ادله دیگری استحباب یا وظیفه‌مندی را تأیید کنند. به ویژه، این نتیجه به «عدم استحباب» تعمیم نمی‌یابد؛ زیرا چنین برداشتی غیرفنی است. این حدیث اساساً به حوزه عمومی دانش یا «مطلق تعلم علوم» توجه ندارد؛ زیرا واژه «علم» به علوم دینی منصرف است. به تعبیر منطقی، «اثبات شیء، نفی ماعدا نمی‌کند». لذا حدیث درصدد بیان حکم «مطلق تعلم علوم» نیست.

۲. ادله استحباب تعلم علوم: به عنوان یک فرض پژوهشی قوی، به نظرمی‌رسد ادله عقلی و نقلی کافی برای اثبات «استحباب تعلم مطلق علوم» وجود داشته باشد، مانند استدلال عقلی بر نورانیت و انکشاف بخشی علم و تعلم، یا اطلاعات نقلی که به یادگیری ترغیب می‌کنند.

۳. سیاست‌گذاری آموزشی: از منظر سیاستی و رویکرد «سیاست علم و آموزش»، یادگیری آگاهی‌های دینی ضروری و مبتلابه برای دانش‌آموزان واجب است. مدلول التزامی این سخن، به عنوان یک ترجیح سیاستی، این است که اولیای تربیت (مانند والدین، علما، حاکمان، و جامعه که شریعت وظیفه آموزش و پرورش را بر عهده آن‌ها نهاده) مکلف به فراهم‌سازی شرایط مناسب برای این یادگیری‌اند. این حکم، افق گسترده‌ای از برنامه‌ریزی درسی، طراحی آموزشی، تربیت معلم، ارزشیابی تحصیلی و غیره را از استاد تا صف در برمی‌گیرد.

۴. احکام ثانوی و ولایی: حکم مذکور، حکم اولی تعلیم و تمهید تعلم است. اما به حکم ثانوی یا ولایی، و حتی براساس اصل تعاهد در قانون اساسی (مورد پذیرش ملت ایران)، ممکن است تکلیف شدیدتری، تا حد وجوب، بر متولیان آموزش بار شود.

کتابنامه

احیا علوم الدین، ابو حامد غزالی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بی‌تا.
 إرشاد القلوب، حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
 الاسفار الاربعه، صدرالدین شیرازی، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، بی‌تا.

- اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- الامالی، محمد بن محمد مفید، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- الامالی، محمد بن الحسن طوسی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، محمد بن حسن صفار، محقق / مصحح: محسن کوچه باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- بیست گفتار، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، بی تا.
- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۰ ش.
- تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، مسعود بن عیسی ورام، قم، مكتبة الفقيه بیروت، دار صعب و دارالتعارف، بی تا.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ ق.
- روضة الواعظین، محمد بن فتال نیشابوری، تحقیق: سید حسن الخراسان، قم، منشورات الرضی، بی تا.
- شرح الکافی؛ الاصول والروضة، محمد صالح مازندرانی، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
- شیعه در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۷ ش.
- صراط النجاه، باحواشی شیخ جواد تبریزی، ابوالقاسم خویی، تحقیق: موسی مفیدالدین عاصی، قم، مكتب نشر المنتخب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- طلب العلم فريضه على كل مسلم، جلال الدین سیوطی، تحقیق: علی حسن علی عبدالحمید، عمان، دار عمار للنشر، ۱۹۸۸ م.
- العلم و الحكمه فی الكتاب و السنه، محمد ری شهری، بمساعده: رضا برنجکار، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.
- فرض طلب العلم، محمد بن حسین آجری، تحقیق: علی بن احمد الرازجی، ریاض، مكتبه المعارف للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق.
- كتاب البیع، روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- كشف الغمه فی معرفه الانمه، علی بن عیسی اربلی، مقدمه: محمد تقی سبجانی و تحشیه، هاشم رسولی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.

- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال، علاءالدین متقی هندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- المحجة البيضاء، ملامحسن فیض کاشانی، قم، چاپ دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تصحیح: سیدهاشم رسولی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مصباح الشریعه، [منسوب به] امام صادق (علیه السلام)، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خویی، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- منية المرید فی آداب المفید والمستفید، زین الدین عاملی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، بی تا.
- الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، تصحیح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّعاملی، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- یادداشت‌های استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- «پژوهشی در حدیث طلب العلم»، ابوالقاسم حسین پور، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱-۱۹۶.